

از صندوق قرض الحسنه تا مؤسسه مالی و اعتباری: فرصت‌ها و چالش‌ها

امیر هرتمنی

دکترای اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

- در تدوین این مقاله از نظرات آقایان دکتر محسن زبانی و دکتر نعمت الله اکبری اعضای محترم هیأت علمی دانشگاه اصفهان بهره برده شده است که بدین وسیله از آنان سپاسگزاری می‌شود.
- کلیه آمارهای ارائه شده در مقاله حاضر، برگرفته از سایت رسمی بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌باشد.

مقدمه

تقاضا برای اعتبارات خرد از سوی طیف وسیعی از اقشار جامعه با پاسخی شایسته از سوی سیستم مالی متشکل کشور مواجه نگردیده است. در نتیجه رواج بازار غیر رسمی با شرایط نامناسب (نرخ‌های بهره بالا و...) به آفت بزرگی برای اقتصاد کشور مبدل شده است.

باتوجه به موانع بی‌شماری که در بازارهای متمرکز و غیر متمرکز مالی وجود دارد و نقشی را که بانک‌ها و نهادهای مالی نمی‌توانند نسبت به ارائه خدمات بر قشر کم درآمد ایفا کنند، رهیافت جدیدی در ادبیات فعالیت‌های مالی تحت عنوان بنیادهای مالی خرد شکل گرفته است. این نوع نهادها، امکان دسترسی به خدمات مالی و غیر مالی را برای افراد کم درآمد که مایل هستند به منابع مؤثر دسترسی داشته و در توسعه فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها کارساز باشد را فراهم می‌کنند.

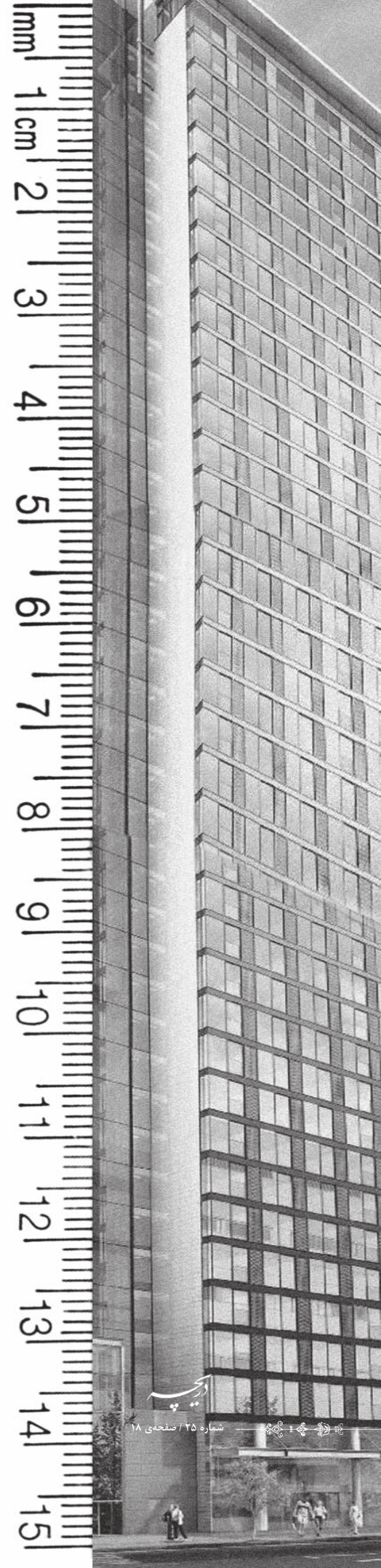
جهت رسیدن به اهداف بنیادهای مالی خرد که

مبتنی بر رویکرد روز بانکداری و عملیات مالی - اقتصادی است، این سؤال قابل طرح است که مرحله گذار در بازار غیرمتشکل مالی ایران از چه سازوکاری می‌تواند برخوردار باشد. بنابراین هدف این مقاله، پاسخگویی به چالش‌های پیش رو در تکامل بنیادهای مالی خرد است، به نحوی که در آن جایگاه بنیادهای مالی خرد در یک سیستم مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مؤسسات مالی و اعتباری

مؤسسات مالی مختلفی تحت عنوان‌های گوناگون در ایران کار می‌کنند. برخی از این مؤسسات دارای مجوز فعالیت بوده و بعضی دیگر هنوز مجوز فعالیت از بانک مرکزی را دریافت ننموده‌اند. مؤسسات دارای مجوز به صورت کلی و باتوجه به نحوه عملکرد می‌توانند در شش دسته طبقه بندی شوند.

۱. بانک‌های تجاری اعم از دولتی و خصوصی: تعداد



بانک‌های تجاری دولتی ۳ مورد و خصوصی ۱۸ مورد است.

۲. بانک‌های تخصصی: تعداد بانک‌های تخصصی ۵ مورد بوده که همگی دولتی هستند.

۳. بانک‌های قرض‌الحسنه: تنها یک بانک قرض‌الحسنه با نام مهر ایران به فعالیت اشتغال دارد.

۴. مؤسسات اعتباری غیربانکی: مؤسسه اعتباری توسعه تنها مؤسسه اعتباری غیربانکی در ایران است.

۵. صندوق‌های قرض‌الحسنه: در مجموع ۱۸ صندوق قرض‌الحسنه دارای مجوز رسمی در ایران فعالیت می‌کنند که ۳ مورد از آن‌ها در استان اصفهان قرار گرفته‌اند.

۶. تعاونی‌های اعتبار: تعداد ۸۸۴ تعاونی اعتبار مجوز فعالیت کسب نموده‌اند که ۳۷ مورد از این تعداد در استان اصفهان فعال هستند.

هریک از این مؤسسات تابع قوانین بانک مرکزی در راستای اهداف خود هستند. اصول کلی عملیات در بین این مؤسسات یکسان بوده و تنها در موارد جزئی با توجه به اهداف و وظایف با یکدیگر متفاوت هستند.

صندوق‌های قرض‌الحسنه در حال گذار به مؤسسات مالی

الف. صندوق‌های قرض‌الحسنه

صندوق‌های قرض‌الحسنه را باید یکی از مهم‌ترین نهادهای پولی غیرمتشکل در اقتصاد ایران دانست. اما باید توجه داشت که می‌باید میان آنچه که از دیرباز با عنوان صندوق‌های قرض‌الحسنه خوانده می‌شود و آنچه در طی چند سال گذشته بدین نام بنیاد گذاشته شد و توسعه یافت و سرانجام با برخورد مقامات دولتی فعالیت عمده‌ترین واحدهای آن محدود گردید تمایز قائل شد.

سنت حسنه وام دهی مطابق شریعت سابقه‌ای به قدمت حضور اسلام در قلوب مسلمین دارد. نص صریح قرآن کریم که دلالت بر اعطای پاداشی الهی چندین برابر آنچه مؤمنین به یکدیگر مطابق این سنت قرض می‌دهند دارد، انگیزه‌ای قوی برای پایه‌گذاری صندوق‌های قرض‌الحسنه که ما آن‌ها را صندوق‌های نسل اول

می‌خوانیم به شمار می‌رود. این صندوق‌ها چنان که همه می‌دانیم در کنار نهادهای اجتماعی همچون هیأت‌های مذهبی، مساجد و یا حتی در شکل صندوق‌های قرض‌الحسنه ثبت نشده خانوادگی طی قرن‌ها تأمین مالی نیازهای عمدتاً خرد خانوارها را که در کانال‌های رسمی شبکه پولی کشور برای تأمین آن به شکلی سهل و در دسترس، رویه‌ای پیش‌بینی نشده بود، برعهده داشته‌اند.

بر طبق اساسنامه صندوق‌های قرض‌الحسنه هدف این مؤسسات ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری اشخاص حقیقی و همچنین اشخاص حقوقی که به امور خیریه می‌پردازند تأسیس می‌گردد.

فعالیت شامل موارد زیر است:

• افتتاح حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز مطابق ضوابط ذی‌ربط.

• افتتاح حساب‌های قرض‌الحسنه ویژه (وجه اداره شده) مطابق ضوابط ذی‌ربط.

• اعطای وام قرض‌الحسنه برای رفع نیازهای ضروری مانند ایجاد اشتغال، هزینه‌های ازدواج، تهیهٔ جهیزیه، درمان بیماری، ساخت، تأمین و تعمیرات مسکن و کمک هزینه‌های تحصیلی.

• اخذ کمک و هدایای نقدی و غیرنقدی از دولت، اشخاص حقیقی و یا حقوقی.

تبصره: افتتاح هر نوع حساب سپردهٔ دیگر از جمله حساب سپردهٔ قرض‌الحسنه جاری (و حساب‌های مشابهی که وجه آن‌ها توسط اشخاص ثالث قابل دریافت باشد) توسط صندوق ممنوع است.

• صندوق دارای تابعیت ایرانی است.

• صندوق برای مدت نامحدود تشکیل شده است.

صندوق‌های نسل اول در طی سال‌های اخیر همچنان به فعالیت‌های خود ادامه داده‌اند و نامیدن آنچه اخیراً به سرعتی چشم‌گیر ظهور یافت و سپس با مشکلاتی مواجه شد، به‌عنوان صندوق‌های نسل دوم ابداً به معنای ختم فعالیت یا اضمحلال صندوق‌های نسل اول به شمار نمی‌رود. در واقع ماهیت اولیه صندوق‌های قرض‌الحسنه که منجر به شکل‌گیری آن‌ها شده است دلیلی برای استمرار آن‌ها به‌شمار می‌رود. لیکن در

سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ گروهی از صندوق‌های قرض‌الحسنه سربرآوردند که اگرچه نیت شکل‌گیری و فعالیت آن‌ها نیز بی‌تردید همچون صندوق‌های نسل اول تأمین مالی نیازهای خرد خانوارهایی بوده است که از دسترسی مناسب به شبکه بانکی به دلیل پیش گفته در خصوص محدودیت‌های این شبکه محروم مانده‌اند، اما شکل فعالیت آن‌ها و گسترش بسیار سریع این صندوق‌ها که ناشی از نحوه عملکرد و وام‌دهی و نرخ‌های پایین کارمزد آن‌ها بود سبب گردید که آینده عملیات آن‌ها به مخاطره افتد و وضعیتی ناپایدار یابند.

ب. فراز و فرود صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل دوم

دلایل گوناگون برای آنچه در سال‌های گذشته بر سر صندوق‌های نسل دوم آمد، وجود دارند. شاید مهم‌ترین مسئله را باید در آن دانست که این صندوق‌ها از حدود تعریف معقول برای فعالیت‌های قرض‌الحسنه فراتر رفتند. به تعبیر دقیق‌تر این صندوق‌ها یا حداقل آن‌ها که مورد بررسی نویسندگان قرار گرفته‌اند به جای تلاش برای پرکردن خلاءهای واقعی شبکه بانکی در تأمین نیازهای خرد خانوارها به سوی فعالیت به‌عنوان نهادها و مؤسسات پولی پیش رفتند تا جذب منابع نموده و اقدام به اعطای اعتبار نمایند. این فعالیت در حدودی انجام پذیرفت که در دو سوی آن یعنی جمع‌آوری منابع و اعطای اعتبار صندوق‌های قرض‌الحسنه راه افراط در پیش گرفتند. آن‌ها کوشیدند به‌عنوان نهادهای پولی همچون بانک، عمل نمایند در حالی که از اصول و قواعد بازی بانکداری تبعیت نمی‌کردند و شاید این مهم‌ترین خطای عملیاتی صندوق‌ها بود.

بنابراین چنانچه به اجمال اشاره گردید شکل‌گیری صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل اول را باید با نیت عمل صالح و به منظور خدمت‌رسانی به آن گروه از خانوارهای مسلمان دانست که یا حسب دلایل شرعی مراجعه به شبکه بانکی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی را به واسطه نظام ربوی بانکی غیرمشروع می‌دانستند و یا به واسطه بوروکراسی سنگین شبکه بانکی و تضمین‌ها و وثیقه‌های مورد درخواست این شبکه و محدودیت اعطای اعتبارات آن برای نیازهای خرد اصولاً از آن محروم مانده بودند.

اما شرایط دو دهه اخیر به دگرگونی در وضعیت هر دو سوی مشارکت‌کنندگان مالی و متقاضیان صندوق‌های قرض‌الحسنه انجامید. نخست این که شرایط اقتصادی نامناسب، تورم شدید، گسترش شکاف طبقاتی، رکود اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری سبب گردید که شدت و میزان تقاضا برای اعتبارات خرد افزایشی قابل ملاحظه

یابد؛ از یک سو این تقاضا دیگر با منابع مالی صندوق‌های قرض‌الحسنه تناسبی نداشت و از طرف دیگر علی‌رغم اعمال قانون بانکداری بدون ربا همچنان نظام بانکی به نیازهای خرد خانوارها پاسخ نمی‌گفت و محدودیت‌های آن پابرجا بود. از طرف دیگر همین شرایط اقتصادی همراه با کم‌رنگ شدن برخی ارزش‌ها بر سمت عرضه منابع مالی صندوق‌های قرض‌الحسنه فشار وارد ساخت و در نتیجه شکاف میان عرضه منابع مالی و تقاضای اعتبار از صندوق‌های قرض‌الحسنه نوع اول چنان عمیق گردید که در عمل این صندوق‌ها به حاشیه رانده شدند. حجم اعتباراتی که این صندوق‌ها در عمل می‌توانستند به خانوارهای متقاضی پرداخت نمایند نیز باتوجه به همین محدودیت‌ها دیگر پاسخگوی نیازهای خرد هم نبود.

در چنین فضایی و ضمن وجود نقایص بسیار در عملکرد شبکه بانکی و محدودیت‌های آن بود که صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل دوم پا گرفت.

صندوق‌های قرض‌الحسنه نوع دوم علی‌رغم سابقه کوتاه خود با سرعت بسیار بالایی گسترش یافتند و دلیل این گسترش را می‌توان در عواملی همچون، نرخ کارمزد بسیار پایین در قیاس با شبکه بانکی (دولتی و خصوصی) و رباخواران، نرخ تورم، سهولت دسترسی به اعتبارات به نسبت شبکه بانکی و حتی نسبت به رباخواران، سرعت به نسبت بالای عملیات در قیاس با شبکه بانکی، اعطای بلندمدت اعتبار، پاسخگویی به نیازهای مالی فراتر از حد نیازهای خرد خانوارها و ضمانت‌ها و وثایق به نسبت قابل تأمین برای متقاضیان در قیاس با شبکه بانکی دانست.

دلایل گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل دوم را به اجمال می‌توان چنین برشمرد:

- ناتوانی سیستم بانکی در پاسخگویی به نیازهای اعتباری خرد خانوارها.
- مقررات دست و پاگیر و بوروکراسی سنگین شبکه بانکی.
- برخورد گزینشی در اعطای اعتبارات به سمت بازرگانان یا تولیدکنندگان.
- نرخ کارمزد بالا.
- ضمانت‌ها و وثیقه‌های سنگین مورد انتظار شبکه بانکی.
- ناتوانی صندوق‌های نسل اول در پوشش نقاط ضعف شبکه بانکی در خصوص اعتبارات خرد مورد تقاضای خانوارها.
- گسترش نیازهای اعتباری خانوارها به دلایل اجتماعی همچون رشد شتابان جمعیت در دهه شصت، دگرگونی در ارزش‌های اجتماعی و فاصله گرفتن از ساده زیستی و تغییر الگوی مصرف خانوارها هم از آن جمله‌اند.

●●● صندوق‌های

قرض‌الحسنه نوع دوم

علی‌رغم سابقه کوتاه

خود با سرعت بسیار

بالایی گسترش یافتند

و دلیل این گسترش

را می‌توان در عواملی

همچون، نرخ کارمزد

بسیار پایین در قیاس

با شبکه بانکی (دولتی

و خصوصی) و

رباخواران، نرخ تورم،

سهولت دسترسی به

اعتبارات به نسبت

شبکه بانکی و حتی

نسبت به رباخواران،

سرعت به نسبت بالای

عملیات در قیاس با

شبکه بانکی، اعطای

بلند مدت اعتبار

پاسخگویی به نیازهای

مالی فراتر از حد

نیازهای خرد خانوارها

و ضمانت‌ها و وثایق

به نسبت قابل تأمین

برای متقاضیان در

قیاس با شبکه بانکی

دانست ●●●



●●● تجربه

ناموفق صندوق‌های

قرض‌الحسنه نسل

دوم و ماحصل آن

به‌عنوان آموزه‌ای از

عملکرد پولی - مالی

فاقد نظام‌مندی اصولی

چراغ راهی را در اختیار

سیاست‌گذاران بخش

پولی کشور و فعالین آن

قرار داد. بدین ترتیب

روند اصولی تکاملی

مؤسسات مالی در

قالب قوانین، مقررات،

روش‌ها، تشکیلات و

اصول عملیاتی شکل

گرفت ●●●

همه آنچه ذکر گردید نه فقط از جنبه‌های نظری قابل دفاع است بلکه ماحصل تجربه ایجاد، گسترش و اضمحلال صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل دوم است.

چنانچه مرسوم است و آزمایشگاه‌های علوم انسانی را در واقع بطن جامعه بشری می‌دانند، تجربه ناموفق صندوق‌های قرض‌الحسنه نسل دوم و ماحصل آن به‌عنوان آموزه‌ای از عملکرد پولی - مالی فاقد نظام‌مندی اصولی چراغ راهی را در اختیار سیاست‌گذاران بخش پولی کشور و فعالین آن قرار داد. بدین ترتیب روند اصولی تکاملی مؤسسات مالی در قالب قوانین، مقررات، روش‌ها، تشکیلات و اصول عملیاتی شکل گرفت.

ج. تعاونی‌های اعتبار

در سال‌های اخیر پس از صندوق‌های قرض‌الحسنه تعاونی‌های اعتبار شکل گرفتند. این مؤسسات بر پایه فعالیت‌های تعاونی بخش تعاون کشور شکل می‌گیرد. بر این اساس در ابتدا اساسنامه تنظیم شده و به وزرات تعاون جهت اخذ موافقت اصولی ارائه می‌شود. حداقل سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال و تعداد اعضا ۵۰ نفر می‌باشد. سپس باتوجه به اساسنامه و شرایط اعضا از حیث تحصیلات دانشگاهی و سوابق کاری، کسب مجوز از بانک مرکزی ضروری است. اولین مجوز بانک مرکزی مربوط به تأسیس تعاونی اعتبار است و پس از تأسیس مجوز فعالیت صادر می‌گردد.

تعاونی اعتبار پس از تأسیس مجاز به دریافت سپرده با رعایت موارد ذیل مجاز است:

۱. افتتاح حساب سپرده منحصرأ برای اعضای شرکت صورت می‌پذیرد.

۲. انواع مختلف سپرده منحصر به موارد احصا شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا و مقررات مرتبط با آن می‌باشد.

تبصره: افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری و حساب‌های مشابه (حساب‌هایی که وجه آن‌ها توسط اشخاص ثالث قابل دریافت باشد) توسط شرکت ممنوع است.

احتساب ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی براساس مقررات مندرج در ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی انجام می‌شود. نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در چارچوب مصوبات قانونی توسط هیأت مدیره شرکت تعیین می‌شود. نحوه محاسبه سود قطعی سپرده‌های

مدت دار، براساس دستورالعمل اجرایی این موضوع است که توسط سیستم بانکی کشور اجرا می‌شود.

شرکت می‌تواند در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا نسبت به اعطای تسهیلات صرفاً به اعضاء خود اقدام نماید. مانده وام و تسهیلات اعطایی شرکت در هر زمان نباید از ۱۲ برابر مانده حساب سرمایه، ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی تجاوز نماید. شرکت موظف است همواره حداقل ۱۰ درصد مانده حساب‌های سپرده اعضاء نزد خود را به‌صورت نقد، اوراق مشارکت دولتی، اوراق مشارکت بانک مرکزی، اوراق مشارکت تضمین شده توسط بانک‌ها و سپرده گذاری عندالمطالبه نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی نگهداری نماید. حداکثر مجموع مانده تسهیلات اعطایی به هر عضو براساس سیاست‌های متخذه مجمع عمومی و توسط هیأت مدیره شرکت تعیین خواهد شد. در هر حال این میزان از ۵ درصد مجموع سرمایه، ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی شرکت تجاوز نخواهد کرد. نرخ سود تسهیلات و کارمزد در چارچوب مصوبات قانونی توسط هیأت مدیره تعیین خواهد شد.

د. مؤسسات اعتباری غیربانکی

مؤسسات اعتباری غیر بانکی مؤسسه‌ای است که از طریق جذب سپرده‌های مجاز بانکی به استثناء (سپرده قرض‌الحسنه جاری)، اخذ تسهیلات و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص داده و یا به هر نحو دیگری به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی باشد.

مؤسسات اعتباری همانند بانک با مجوز بانک مرکزی تأسیس می‌شوند. مؤسسات اعتباری مکلفند قبل از مراجعه به مراجع ثبت شرکت‌ها به منظور ثبت مؤسسه یا تغییر اساسنامه مجوز لازم را از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت و همراه با سایر مدارک به مراجع مذکور ارائه نمایند. میزان سرمایه این مؤسسات ۳۰۰۰ میلیارد ریال تعیین شده است. اگر مجموع زیان‌های سنواتی از صددرصد سرمایه تجاوز نماید مؤسسه مکلف است نسبت به تأمین مابه‌التفاوت



●●● هر گونه

پیشرفتی برای یک

سازمان همراه با

تغییر شرایط است که

درب‌گیرنده فرصت‌ها

و چالش‌هایی است.

لذا تبدیل یک

قرض الحسنه به

تعاونی اعتبار و یا

حرکت یک تعاونی

اعتبار به سمت

مؤسسه مالی از

این قاعده مستثنی

نیست. اما این

فرصت‌ها و چالش‌ها

چگونه بر فعالیت

مؤسسه تأثیر گذار

خواهد بود ●●●

بانک مرکزی را به نحوی که آن بانک تعیین می‌کند ارسال نماید. درحالی که مؤسسات اعتباری مکلفند دفاتر و حساب‌های خود را طبق دستورالعملی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها ابلاغ خواهد شد تنظیم نمایند. مؤسسات اعتباری مکلفند همه ساله ترازنامه و صورت‌حساب سود و زیان خود را به تأیید یکی از حساب‌رسان مورد وثوق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برسانند.

۳. هیأت مدیره: در مورد اعضای هیأت مدیره مؤسسات مالی و اعتباری باید صلاحیت تخصصی اعضاء اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره، مدیرعامل و قائم مقام مدیرعامل و التزام آنان به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید به تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برسد. در صورتی که در تعاونی اعتبار اعضاء بایستی حداقل ۳ سال سابقه فعالیت مرتبط داشته و یا اکثریت اعضای هیأت مدیره دارای تحصیلات دانشگاهی باشند.

۴. ذخایر: در تعاونی‌های اعتبار احتساب ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی براساس مقررات مندرج در ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی انجام می‌شود. درحالی که سپرده قانونی مؤسسات مالی و اعتباری در قبال انواع سپرده‌های دریافتی خود به میزانی که شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند، نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تودیع می‌شود.

۵. وام و تسهیلات: مانده وام و تسهیلات اعطایی شرکت‌های تعاونی اعتبار در هر زمان نباید از ۱۲ برابر مانده حساب سرمایه، ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی تجاوز نماید. حداکثر مجموع مانده تسهیلات اعطایی به هر عضو براساس سیاست‌های متخذه مجمع عمومی و توسط هیأت مدیره شرکت تعیین خواهد شد. در هر حال این میزان از ۵ درصد مجموع سرمایه، ذخایر قانونی و اندوخته‌های احتیاطی شرکت تجاوز نخواهد کرد. درحالی که مانده تسهیلات اعتباری اعطایی مؤسسات اعتباری در هر زمان نباید از ۱۵ برابر مانده حساب سرمایه آن‌ها تجاوز نماید. مانده تسهیلات اعتباری اعطایی مؤسسات اعتباری به هر شخص نمی‌تواند از ۱۰ درصد مانده حساب سرمایه تجاوز نماید.

۶. مقررات و قوانین: مؤسسات مالی همانند بانک‌ها تابع قوانین بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار هستند. از این رو تصمیم‌گیری در این نوع مؤسسات بیشتر تابع مقررات و بخشنامه‌ها است. مقررات مربوط به تعاونی‌های اعتبار از دو مسیر ارائه می‌شود.

آن حداکثر ظرف مدت دو سال اقدام نماید. به منظور حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور، مؤسسات اعتباری مکلفند:

۱. سپرده قانونی در قبال انواع سپرده‌های دریافتی خود را به میزانی که شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند، نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تودیع نمایند.
۲. انواع نرخ سود سپرده‌ها، تسهیلات، کارمزدها و همچنین جوایز خود را که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طبق ضوابط مصوب شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند، رعایت نمایند.
همانگونه که ملاحظه شد، روند مؤسسات مالی از صندوق قرض الحسنه اولیه و محلی شروع شده و تا کنون به سمت مؤسسات اعتباری غیربانکی حرکت نموده است. این یک روند پیشرفت و تکامل بوده و در چارچوب قانون بر طبق شرایط و نیازهای کنونی جامعه است.

مؤسسه اعتباری: فرصت‌ها و چالش‌ها

هرگونه پیشرفتی برای یک سازمان همراه با تغییر شرایط است که دربرگیرنده فرصت‌ها و چالش‌هایی است. لذا تبدیل یک قرض الحسنه به تعاونی اعتبار و یا حرکت یک تعاونی اعتبار به سمت مؤسسه مالی از این قاعده مستثنی نیست. اما این فرصت‌ها و چالش‌ها چگونه بر فعالیت مؤسسه تأثیرگذار خواهد بود. در ابتدا لازم است چگونگی تغییر شرایط بررسی شود.

همانگونه که ذکر شد، حداقل سرمایه جهت تأسیس تعاونی اعتبار ۲۰۰ میلیون ریال می‌باشد درحالی که مؤسسات مالی و اعتباری نیازمند حداقل ۳۰۰۰ میلیارد ریال جهت تأسیس هستند. تعاونی اعتبار در زمان تأسیس از کانال ورزات تعاون و زیر نظر این مرجع تأسیس می‌شود. در تعاونی اعتبار گیرندگان تسهیلات بیشتر اعضای تعاونی هستند درحالی که مؤسسه مالی و اعتباری به عموم مردم خدمت رسانی می‌کند. در هر حال فرصت‌ها و چالش‌ها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

چالش‌ها

۱. سرمایه: گذار از یک تعاونی اعتبار به مؤسسه مالی و اعتباری نیاز افزایش سرمایه چندین هزار درصدی است. تعاونی اعتبار نیازمند سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیون ریالی است. درحالی که میزان سرمایه اولیه مؤسسه مالی و اعتباری ۳۰۰۰ میلیارد ریال است.

۲. نظارت: میزان نظارت بانک مرکزی بر مؤسسات مالی و اعتباری بیشتر از تعاونی‌های اعتبار است. شرکت تعاونی اعتبار موظف است آمار و اطلاعات مورد نیاز



●●● اگر چه
مؤسسات مالی و
اعتباری آزادی عمل
کمتری نسبت به
تعاونی‌های اعتبار
دارند اما این مسئله
موجب نظام‌مندی در
عملیات و جلوگیری از
تصمیم‌گیری شخصی
و سلیقه‌ای می‌شود.
بدین ترتیب ریسک
عملیاتی کاهش می‌یابد.
اعتدال، آزادی عمل
و تحت کنترل بودن
در مؤسسات مالی
و اعتباری بیشتر از
تعاونی اعتبار خواهد
بود و ضریب موفقیت
در مؤسسات مالی را
افزایش می‌دهد ●●●

اول اساسنامه‌ای که به توسط آن تعاونی اعتبار شکل گرفته است. دوم مقررات و وزارت تعاون و بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار در مورد این مؤسسات است. در مورد تعاونی‌های اعتبار آزادی عمل بیشتری در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری وجود دارد.

فرصت‌ها

۱. گسترش و تنوع عملیات: براساس قوانین بانک مرکزی مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به ارائه خدمات بانکی در چارچوب بانکداری بدون ربا هستند. علاوه بر این دامنه ارائه خدمات و تنوع خدمات بانکی در این مؤسسات گسترده‌تر از تعاونی‌های اعتبار است. بنابراین تبدیل تعاونی اعتبار به مؤسسه مالی اعتباری موجب گسترش و تنوع عملیات خواهد شد.

۲. گستردگی جغرافیایی: براساس قوانین بانک مرکزی مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به افتتاح شعبه و یا باجه بانظر بانک مرکزی هستند. این امتیاز موجب گستردگی جغرافیایی و دستیابی به بازارهای مالی در سایر نقاط است. یعنی همانند بانکداری با شعبه می‌توانند از مزایای سیستم شبکه‌ای استفاده کنند.

۳. تنوع مشتریان: تعاونی‌های اعتبار ملزم به ارائه خدمات و تسهیلات به اعضای خود در درجه اول و پس از آن به سایر افراد هستند. از این رو مشتریان آن‌ها به‌طور کامل شناخته شده هستند. این مؤسسات امکان انتخاب را در بین مشتریان از دست داده‌اند. مؤسسه مالی و اعتباری بر طبق مجوز امکان ارائه خدمات بانکی و تسهیلات را به عموم مردم دارند. لذا طیف بی‌شماری از افراد در زمره مشتریان آن‌ها قرار می‌گیرند که امکان انتخاب در بین آن‌ها وجود خواهد داشت.

۴. کاهش ریسک: نهادهای مالی درگیر ریسک‌های مختلفی با درجات متفاوت هستند. تصمیم‌گیری غیرنظام‌مند موجب افزایش ریسک بالقوه آن‌ها می‌شود. مؤسسات مالی و اعتباری تحت قوانین بانک مرکزی اقدام به نگهداری ذخایر قانونی، احتیاطی و نقدی می‌کنند که موجب کاهش ریسک نقدینگی در این مؤسسات می‌شود. گونه دیگر ریسک، ریسک اعتباری است که ناشی از عدم بازپرداخت وام‌ها است. باتوجه به اصول عملیاتی که از طرف بانک مرکزی به مؤسسات مالی و اعتباری اعلام می‌شود این نوع ریسک تحت کنترل مؤسسه بوده و درجه آن مشخص می‌شود.

۵. جلوگیری از تصمیم‌گیری سلیقه‌ای: اگر چه مؤسسات مالی و اعتباری آزادی عمل کمتری نسبت به تعاونی‌های اعتبار دارند اما این مسئله موجب نظام‌مندی در عملیات و

جلوگیری از تصمیم‌گیری شخصی و سلیقه‌ای می‌شود. بدین ترتیب ریسک عملیاتی کاهش می‌یابد. اعتدال، آزادی عمل و تحت کنترل بودن در مؤسسات مالی و اعتباری بیشتر از تعاونی اعتبار خواهد بود و ضریب موفقیت در مؤسسات مالی را افزایش می‌دهد.

۶. پشتیبانی بانک مرکزی: از حیث نمودار سازمانی مؤسسات مالی و اعتباری بیشتر شبیه بانک‌ها هستند. لذا در چارچوب برنامه‌های حمایتی بانک مرکزی این مؤسسات می‌توانند به خوبی با اقدامات بانک مرکزی هماهنگ شده و از آن استفاده کنند. به علاوه تعهدات بانک مرکزی در قبال این مؤسسات بیشتر از تعاونی‌های اعتبار است. اگر چه وزارت تعاون از تعاونی اعتبار حمایت می‌کند، اما حمایت‌های بانک مرکزی بیشتر است.

۷. جلوگیری از سوءاستفاده: براساس قوانین نظارت بیشتری بر مؤسسات مالی و اعتباری اعمال می‌شود. باتوجه به نظارت بانک مرکزی از جهت اجرای قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها و مصوبات بر مؤسسات مالی امکان سوء استفاده کاهش می‌یابد. اگر چه به‌صورت کامل از بین نمی‌رود. با کاهش درجه نظارت بر تعاونی‌های اعتباری امکان سوءاستفاده افزایش می‌یابد.

۸. ایجاد ساختار عملیاتی مناسب: در روند تکامل نهادهای مالی بانک‌ها در رأس هرم قرار گرفته و در طول زمان ساختار عملیاتی مناسبی را اختیار کرده‌اند. بدین‌گونه که مقررات و قوانین به سمت یک سیستم مالی مناسب اصلاح گریده و ساختار عملیاتی متناسب با شرایط و نیازها طراحی شده‌اند. در این روند تکاملی، مؤسسات مالی و اعتباری بعد از بانک‌ها قرار می‌گیرند و رتبه بعدی مربوط به تعاونی‌های اعتبار است. بدین ترتیب ساختار کلی و عملیاتی مؤسسات مالی و اعتباری بیشتر شبیه به یک نهاد مالی ایده‌آل است.

۹. افزایش درآمد: با گسترش محدوده جغرافیایی و افزایش شعب از یک سو و تنوع در ارائه خدمات از دیگر سو موجبات افزایش درآمد حاصل می‌شود. صرفه جویی ناشی از مقیاس هزینه‌ها به دلیل تنوع و گستردگی جغرافیایی و افزایش میزان تسهیلات پرداختی موجب درآمد بیشتر می‌شود. از این رو درآمد مؤسسات مالی و اعتباری بیشتر از تعاونی اعتبار خواهد بود.

۱۰. افزایش اعتماد عمومی: با نگاه به مطالب ارائه شده و عمومیت داشتن مؤسسات مالی و اعتباری این مؤسسات از اعتماد عمومی بالاتری برخوردار هستند. اگر چه جلب اعتماد عمومی، ناشی از عملکرد یک نهاد مالی است. اما در نقطه شروع، میزان اعتماد به مؤسسات مالی و اعتباری بیش از تعاونی‌های اعتبار است.